

فرایند معنی‌یابی با رویکرد ریشه‌یابی واژگان؛ معنای واژه «رہوا» در قرآن کریم از دریچه زبان‌های سامی

جواد اصغری*

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۱)

چکیده

این مقاله به دنبال طرح معنایی جدید از واژه «رہو» در آیه شریفه ﴿وَأَنْتَرَكُ الْبَحْرَ رَهْوًا﴾ (الدخان/۴۴) است. در کتب لغت و تفسیر، عموماً دو معنای «آرام» و «شکافته» برای این واژه ذکر شده است. در مقاله پیش رو، در این باب، واژه‌نامه‌هایی چون لسان‌العرب، تاج‌العروس، المفردات فی غریب القرآن و غالب تفاسیر مهم جهان اسلام، از نخستین آن، یعنی تفسیر مقاتل بن سلیمان تا نمونه و المیزان مورد بررسی و استناد قرار گرفته است، اما نگارنده این مقاله ابتدا این دیدگاه را مطرح کرده است که واژه مزبور در این سیاق قرآنی، معنایی دیگر دارد و آنگاه استدلال نموده است که این واژه، دخیل و از خانواده زبان‌های سامی می‌باشد و از این رو، در واژه‌نامه‌های عبری، آرامی و سریانی به جستجوی معنای آن پرداخته است و معانی دیگری را ارائه داده که سازگاری بیشتری با سیاق آیه شریفه دارد.

واژگان کلیدی: رهو، قرآن، واژگان دخیل.

* E-mail: jasghari@ut.ac.ir

مقدمه

ترجمه قرآن کریم فرایندی پیچیده و هزار تو است که در هر گام آن نیاز به علوم مختلف احساس می‌شود. قرن‌ها محققان و دانشمندان به مفاهیم قرآنی اندیشیده‌اند و کتب تفسیری بسیاری در این حوزه به رشته تحریر درآورده‌اند. حوزه قرآن پژوهی پیشینه‌ای بسیار گسترده، عمیق و طولانی دارد. دانشمندان مسلمان با مشرب‌های فکری، عقیدتی، فرقه‌ای و فلسفی گوناگون درباره متن قرآن به اظهار نظر پرداخته‌اند و در این حوزه اثرپذیری آنان از علوم دینی و مباحث سنتی زبان عربی مانند صرف، نحو و بلاغت، بسیار وسیع و غیرقابل انکار بوده است. از همان دوران اوج‌گیری تحقیقات و تلاش‌های علمی در اوائل خلافت عباسیان، دانشمندانی به مسیرهای جدید در فهم قرآن کریم گام نهادند و موضوع واژگان غیرعربی را طرح کردند که جوالبی (در کتاب *المعرب من الکلام الأعجمی*) از میان متقدمین و سیوطی از میان متأخرین (در کتاب *الإتقان فی علوم القرآن*) از آن جمله‌اند. اما غالب آرای مفسران مبتنی بر روایات و احادیث ضعیف و قوی بوده است و برخی مفسران همچون علامه طباطبائی نیز رایت ترجمه قرآن با قرآن را برافراشتند. در این میان، باید به این نکته دقت داشت که عموم مفسران قرآن کریم با وجود تسلط بر علوم چون اصول فقه، فقه، حدیث، صرف و نحو، بلاغت و ... با واژگان دخیل آشنایی اندکی داشته‌اند و آنچه در این باب گفته‌اند، نقل از محققان خارج حوزه قرآن پژوهی بوده است و از سوی دیگر، به زبان‌های هم‌خانواده عربی، به‌ویژه عبری و آرامی نیز المام و اهمتامی نداشته‌اند. بر این اساس، آنان هر واژه غریب را با محک صرف و نحو سنتی می‌سنجیدند و تلاش می‌کردند با ریشه‌یابی و مراجعه به اشعار قدیم عرب، معنای آن را دریابند. اما اکنون پس از گذشت قرن‌ها و انجام شدن تحقیقات قرآنی بسیار در شرق و غرب عالم و به بار نشستن پژوهش‌های مرتبط با زبان‌های سامی و تبیین و ارتباط آنها با زبان عربی، دریچه‌ای جدید به سوی فهم قرآن کریم گشوده شده است.

یکی از رایج‌ترین و مناسب‌ترین روش‌ها برای یافتن معنای واژه در زبان عربی، روش ریشه‌یابی است؛ زیرا چنان‌که می‌دانیم، عربی زبانی اشتقاقی است. مثال‌های زیادی می‌توان آورد و نشان داد که چگونه با یافتن ریشه یک واژه می‌توان به معنای اصلی و صحیح آن پی برد که البته این امر بر محققان پوشیده نیست و هدف نگارنده این مقاله بیان امور آشنا و بدیهی

برای پژوهشگران این حوزه نمی‌باشد. اما ما در متن قرآن کریم گاه با واژه‌هایی مواجه هستیم که فقط یک بار به کار رفته‌اند. از جمله این واژه‌ها، «رهو»، «تسنیم»، «سلسبیل» و... است. گاهی نیز واژه‌ای بارها در قرآن کریم به کار رفته، اما معنای آن در همه موارد یکسان نیست؛ مانند «ولی»، «امر»، «کفر»، «هلک» و... در این دو موقعیت (تک‌واژه‌ها و کاربرد متفاوت گهگاهی) از روش ریشه‌یابی نمی‌توان استفاده کرد؛ زیرا در باب نخست، به احتمال زیاد واژه جامد است و در مورد دوم، واژه از معنای معمول خود خارج شده یا آنکه معنای معمول آن معنایی جدیدتر در تاریخ واژه است. از طرفی، تفسیر قرآن به قرآن نیز به ما کمکی نمی‌کند. در این موارد، راهی که پیش روی محقق واژه‌شناس باقی می‌ماند، ورود به تاریخ واژه و مشاهده نحوه کاربرد آن در زبان‌های هم‌خانواده عربی یا زبان‌های سامی قدیمی‌تر از عربی است، به‌ویژه عبری و آرامی که تاریخ زبان‌های سامی و مطالعه این زبان‌ها نشان می‌دهد قرابت ویژه‌ای با زبان عربی دارند. محققان عموماً این واژگان را «دخیل» نامیده‌اند. اما نکته بسیار قابل توجه در این زمینه آن است که بخش اعظم واژگان زبان عربی با دیگر زبان‌های سامی، از جمله عبری، آرامی، اکدی، بابلی، حبشی و... مشترک است. بنابراین، نگارنده در باب اطلاق نام «وام‌واژه» یا «دخیل» به این واژه‌ها تردید دارد. بسیاری مواقع، این واژگان مشترک، معنای نزدیک به عربی دارند، نه مطابق عربی. موضوع دیگر آن است که گاه در زبان عربی نیز معنای قدیم‌تر این واژه‌ها به کار رفته است؛ یعنی همان معنایی که در دیگر زبان‌های سامی، به‌ویژه آرامی کاربرد دارد. از جمله این موارد، واژه «الکفار» در آیه بیستم از سوره مبارکه حدید است که بسیاری مترجمان به درستی آن را «کشاورزان» معنا کرده‌اند. این معنا دقیقاً حاصل تحقیق در تاریخ واژه و مشاهده نحوه کاربرد آن در زبان‌های سامی قدیم‌تر از عربی است، نه استفاده از روش ریشه‌یابی. ما در این مقاله درباره واژه «رهو» نیز همین رویکرد را پیگیری می‌کنیم، بدین معنا که این واژه در قرآن یک بار وارد شده است، در عربی قدیم نیز کاربردی اندک داشته که می‌توان آنها را ملاحظه کرد. اما معنای کهن‌تر آن که در دیگر زبان‌های سامی کاربرد داشته است و این معنا برای ترجمه آیه شریفه مد نظر ما مناسب‌تر می‌باشد.

۱. هدف پژوهش

هدف نگارنده مقاله حاضر، طرح معنایی جدید برای واژه «رهُوًا» در آیه شریفه ﴿وَاتْرُكُوا الْبَحْرَ رَهْوًا...﴾ (الدخان/۲۴) است. در کتب مختلف لغت و تفسیر به این واژه پرداخته، دو معنای عمده برای آن ذکر شده است. این دو معنا اصولاً برگرفته از روایات و احادیث نیست. همچنین این معانی حاصل کمک گرفتن از متن قرآن نبوده است؛ زیرا این واژه تنها یک بار در قرآن کریم وارد شده است. لغویان این واژه را بر اساس اشعار قدیم عرب معنا کرده‌اند و آنگاه مفسران از حاصل کار لغویان استفاده کرده‌اند و آن معانی را در تفسیر آیه شریفه به کار بسته‌اند. اما ما در اینجا در پی بیان معنایی دیگر هستیم.

۲. طرح مسئله

واژه «رهُو» یا به سخن دیگر، ریشه «ر ه و» در ادب عرب بسیار کم‌کاربرد است. همچنین در خارج از لغت‌نامه‌ها و قاموس‌ها از این ریشه هیچ اشتقاقی دیده نمی‌شود و عموم محققان حوزه زبان و ادب عربی، واژگانی همچون «رها»، «رهُو»، «زاهی»، «مرهُو» و... را ندیده‌اند و تجربه نکرده‌اند. بنابراین، پرسشی که اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا نبود اشتقاق‌های این واژه نشان نمی‌دهد که واژه «رهُو» عربی نیست؟! چرا محققان قدیم و جدید این حوزه برای معنا کردن چنین واژه‌ای که هیچ اشتقاقی ندارد، باید در جستجوی ریشه آن باشند؟

گذشته از این محققان، لغویان و مفسران این واژه را عموماً دو گونه معنا کرده‌اند: «دریا را ترک کن، در حالی که آرام است»، «دریا را ترک کن، در حالی که شکافته است». اما اگر نگاهی به سیاق این آیه شریفه بیندازیم، متوجه خواهیم شد که احتمالاً این واژه معنایی دیگر دارد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَدَعَا رَبَّهُ أَنْ هَوْلَاءَ قَوْمٍ مَجْرُمُونَ * فَأَسْرِبَعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ * وَاتْرُكُوا الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرِفُونَ﴾ (آن‌ها هیچ یک از این پندها را نپذیرفتند و موسی) به پیشگاه پروردگارش عرضه داشت: اینها قومی مجرم هستند! * (به او دستور داده شد): بندگان مرا شبانه حرکت ده که شما تعقیب می‌شوید! * (هنگامی که از دریا گذشتید)، دریا را آرام و گشاده بگذار (و بگذر) که آنها لشکری غرق‌شده خواهند بود! ﴿(الدخان/ ۲۲-۲۴).

خواننده این آیه شریفه بی‌گمان درمی‌یابد که فرمان خداوند به حضرت موسی^(ع) به اینکه «بندگانم را شبانه حرکت بده» و اطلاع دادن این مطلب که «سپاه فرعون در حال آمدن از پی شما هستند و از دریا بگذر... که آنها قطعاً سپاهی غرق شده خواهند بود»، نشان می‌دهد این آیه بیانگر غضب الهی است. این امر، به‌ویژه در جمله ﴿...إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّعْرَفُونَ﴾ نمایان است. در این زمینه کافی است همین آیه شریفه را با آیه دیگری از قرآن کریم مقایسه کنیم که سیاق آن نیز بیانگر «غضب الهی» است: ﴿وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الْذِّينِ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرَفُونَ﴾ و (اکنون) در حضور ما و طبق وحی ما، کشتی بساز! و درباره آنها که ستم کردند شفاعت مکن که (همه) آنها غرق شدنی هستند! ﴿(هود/ ۳۷).

نگارنده با این دو باور که اولاً این واژه عربی نیست، ثانیاً در سیاق آیه، چنین معنای مناسب نمی‌نماید، در پی ارائه نگاه دیگری است. بر این اساس، این مقاله در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- ۱- اگر واژه «رهو» را غیرعربی و دخیل بدانیم، معنای این واژه در زبان اصلی خود چیست؟
- ۲- این آیه شریفه با توجه به معنای اصلی واژه مزبور، چگونه ترجمه خواهد شد و چه معنای جدیدی خواهد یافت؟

۳. فرضیه‌های پژوهش

واژه «رهو» در زبان‌های سامی کهن‌تر از عربی وجود دارد و در معنای دیگری به کار رفته است. در شعر عربی قدیم، این واژه بسیار اندک به کار رفته که در آنها معنای متفاوتی نسبت به معنای عبری و آرامی خود داشته است. اما در قرآن کریم در معنای خانواده سامی خود به کار رفته است، نه در معنای که در شعر قدیم عرب ملاحظه می‌شود؛ به دیگر سخن، «رهو» به عنوان واژه دخیل در شعر قدیم عرب به کار رفته است و معنای متفاوتی یافته، اما قرآن آن را در معنای نخستین خود به کار برده است. نگارنده در این مقاله نشان می‌دهد که معنای اصلی این واژه در سیاق آیه مناسب‌تر می‌باشد.

۴. پیشینه پژوهش

آنچه تاکنون درباره این آیه شریفه گفته شده، در واقع، همان نظرات و دیدگاه‌های مفسران و لغویان قدیم و جدید است که در این پژوهش نیز مورد استناد قرار گرفته است و در این باره، مقاله مستقلی به قلم محققان جهان اسلام و نیز مستشرقان نوشته نشده است. حتی در کتب مربوط به واژه‌های دخیل نیز، «رهُو» به عنوان دخیل ذکر نشده است. کتاب مشهور آرتور جفری با عنوان *واژگان دخیل در قرآن* نیز به این واژه اشاره‌ای نکرده است.

۵. روش پژوهش

در این پژوهش، برای نشان دادن آرای لغویان و مفسران متقدم و متأخر در باب واژه «رهُو»، با انبوهی از کتب لغت و تفسیر روبه‌رو بودیم. به همین دلیل، معتبرترین این کتب انتخاب شد تا در این مجال اندک، از سویی، درازگویی نشود و از سوی دیگر، در ارائه آرای مشابه از تکرارهای ملال‌آور پرهیز شود. بنابراین، از میان کتب لغت، معتبرترین آنها یعنی *لسان‌العرب* ابن منظور، *تاج‌العروس* زبیدی، *المفردات فی غریب القرآن* راغب اصفهانی و از میان کتب تفسیر، *تفسیر طبری*، *المیزان* علامه طباطبائی، *مجمع‌البیان* طبرسی، *أطیب‌البیان* طیب اصفهانی، *البرهان فی تفسیر القرآن* هاشم بحرانی، *انوار التنزیل و اسرار التأویل* بیضاوی و تفسیر نسفی استفاده شده است. پس از بررسی آرای لغویان و مفسران درباره این واژه، در فرهنگ لغت‌های معتبر عبری و سریانی معنای آن را جستجو می‌کنیم و پس از بیان آنها، سرانجام با این معانی جدید، آیه شریفه را ترجمه خواهیم کرد.

۶. نظر لغویان

در *لسان‌العرب*، ذیل ماده «ر ه و»، با استناد به اشعار گوناگون، قریب به ده معنا برای واژه «رهُو» ذکر شده است. ابن منظور بر اساس روش خود که ذکر معانی مذکور در همه لغت‌نامه‌های پیش از خود است، بسیار مفصل به معانی این واژه پرداخته است و چنان معانی گوناگونی را طرح کرده که خواننده به این تصوّر می‌رسد که «این واژه معانی مبهم، چندپهلوی و غیررایج داشته است و بنابراین، معنای مشخص و معینی برای آن وجود ندارد». در اینجا به

دلیل ضیق مجال مقاله، از ذکر استنادها و استشهادهای شعری ابن‌منظور خودداری می‌گردد و فهرست‌وار به معانی مذکور در *لسان‌العرب* اشاره می‌شود:

- «رها البحر؛ أی سَكَنَ: دریا آرام و ساکن شد».

- «تفرَّق الماء: شکافته شدن آب».

- «قال الرَّجَّاحُ: رهاً فی الآیة؛ أی یَبْسَأُ: زجاج می‌گوید در آیه مذکور، این واژه به معنای «خشک» است».

- الرَّهْوُ فی السَّیرِ هو اللَّینُ مع دوامه: حرکت آهسته و پیوسته».

- «قال خالد بن جنبة: رهواً أی دمثاً و هو السَّهْلُ الَّذی لیس بَرَمَلٍ و لا حَزَنٍ: یعنی زمین نرم، و آن زمین همواری است که ریگزار یا سنگلاخ نباشد».

- «الرَّهْوُ أيضاً الكثير الحركة: پر حرکت».

- «والرَّهْوُ أيضاً السَّریع: سریع و پرشتاب».

- «قیل متتابعة: پیایی».

- «هو سیرٌ سهلٌ مستقیم: نرم، آهسته و مستقیم».

- «رها بین رجليه، یرهو رهواً: گشود پاهایش را».

- «ثوبٌ رهوٌ: رقیق: لباس نازک».

- «الرَّهْوُ مِنَ الطَّیْرِ و الخیل السَّراع: حرکت شتابنده پرنده و اسب» (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۴: ۲۴۹).

چنان‌که ملاحظه می‌کنیم، معانی مذکور در این واژه‌نامه چنان پراکنده، متضاد، گوناگون و نامرتب است که پژوهشگر را به فرض بالا نزدیک و نزدیکتر می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که فعل «رها یرهو» که در اینجا ذکر شده، ساخته این لغوی است و در اشعار دیده نمی‌شود.

در *تاج‌العروس* عین همه مطالب و معانی مطرح در *لسان‌العرب* وارد شده است (ر.ک؛ زبیدی، بی‌تا: ۱۶۰-۱۶۱) و در *معجم‌العین* و *معجم‌مقایس‌اللغة* هیچ اشاره‌ای به این واژه نشده است. در کتاب *المفردات فی غریب‌القرآن* آمده است: «أی ساکنا و قیل سعةً مِنَ الطَّریق

و هو الصَّحیح و منه الرَّهَاءُ للمفاضة المستویة و یقال لكلِّ حومةٍ مستویةٍ یجتمع فیہ الماء رهوًّا و منه قیل لا شُفَعَةَ فی رَهْوٍ» (اصفهانى، بی تا: ۲۰۴-۲۰۵).

لغت‌نامه‌های زیادی در زبان عربی وجود دارد، اما نقل آراء و نظرات نویسندگان همه این لغت‌نامه‌ها در این مجال تنگ ممکن نیست و گذشته از این، دیگر لغت‌نامه‌ها نظری متفاوت در این زمینه ندارند.

۷. نظر مفسران

شگفتی نگارنده مقاله از آن است که مفسران ارجمند قرآن کریم برای فهم این واژه، تنها راهی را که پیموده‌اند، رجوع به نظرات لغویانی بوده است که خود در فهم آن متحیر بودند. در این مجال، به بررسی نظرات مهم‌ترین مفسران می‌پردازیم. در تفسیر نسفی آمده است:

«وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا...» (الدخان/۲۴) ساکناً أراد موسى عليه السلام لما جاوز البحر أن يضربه بعصاه فينطبق فأمر بأن يتركة ساكناً على هيئته قاراً على حاله من انتصاب الماء و كون الطريق يبساً لا يضربه بعصاه و لا يغير منه شيئاً ليدخله القبط فإذا حصلوا فيه أطبقه الله عليهم قيل الرهو: الفجوة الواسعة أي أتركة مفتوحاً على حاله منفرجاً» (نسفی، بی تا: ۱۲۹).

ابوالفتوح رازی در تفسیر روح‌الجنان با زبان ویژه خود که آمیزه‌ای از واژگان عربی و فارسی است، در این باره چنین می‌گوید:

«وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا...» (الدخان/۲۴) و دریا را رها کن به حال خود؛ و قوله «رَهْوًا» عبارات مفسران در او خلاف شد. عوفی گفت از عبدالله عباس: رهواً أى سمتاً: رها کن به حال خود. کعب گفت طریقاً، ربیع گفت سهلاً، ضحاک گفت دمناً أى سهلاً. عکرمة گفت جدداً یبساً: رهی خشک. قتادة گفت: طریقاً یابساً: هم رهی خشک، و اصل کلمه در کلام عرب سکون باشد. قال الشاعر:

«كَأَنَّمَا أَهْلُ حُجْرٍ يَنْظُرُونَ مَتَى
يَرَوْنَ نَسِيَّ خَارِجاً طَيْرٌ يَبَادِيْدُ
طَيْرٌ رَأَتْ بَازِيَاءً نَضَجَ الدَّمَاءُ بِهِ
وَأُمَّةٌ خَرَجَتْ رَهْوًا إِلَى عَيْدٍ»

(رازی، ۱۳۵۲: ۱۱۷).

در تفسیرهای نمونه (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲۱: ۱۷۵-۱۷۶)، کشف‌الأسرار (ر.ک؛ میبیدی، ۱۳۳۱، ج ۹: ۹۹)، منهج‌الصادقین (ر.ک؛ کاشانی، بی‌تا: ۲۰۸)، أطیب‌البیان فی تفسیر القرآن (ر.ک؛ طیب اصفهانی، ۱۲۴۱ق: ۸۵-۸۶)، أحسن‌الحديث (ر.ک؛ قرشی بنابی، ۱۳۸۷، ج ۱۰: ۷۸)، المیزان (ر.ک؛ طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۸: ۱۴۰)، مجمع‌البیان (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۹: ۹۷)، مفاتیح‌الغیب (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷: ۶۵۹-۶۶۰)، البرهان فی تفسیر القرآن (ر.ک؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۵: ۱۴)، أنوارالتنزیل و أسرارالتأویل (ر.ک؛ بیضاوی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۱۰۱)، جامع‌البیان فی تفسیر القرآن (ر.ک؛ طبری، ۱۹۷۲م، ج ۲۵: ۷۲-۷۳)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور (ر.ک؛ سیوطی، ۲۰۰۷م، ج ۶: ۲۹-۳۰) و الکشاف عن غوامض حقائق التنزیل (ر.ک؛ زمخشری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۲۷۶) تنها معانی مذکور در باب این واژه، «آرام»، «ساکن» و یا «شکافته» است؛ بدین معنا که «ای موسی! دریا را «آرام» و یا «شکافته» پشت سر گذار». فقط در تفسیر مقاتل بن سلیمان معنایی متفاوت وارد شده است. او می‌گوید: «وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا، أَيْ صُفُوًّا» (ابن سلیمان، ۲۰۰۲م، ج ۳: ۸۲۱).

۸. «رهو» از دریچه زبان‌های عبری و آرامی

چنان‌که در قسمت طرح مسئله و فرضیه نیز گفته شد، پذیرفتن اینکه واژه «رهو» عربی است، به سادگی میسر نیست، چراکه اولاً در متون معاصر تقریباً متروک شده است و در متون قدیم عرب نیز بسیار کم کاربرد بوده است. ثانیاً هیچ اشتقاقی از آن دیده نمی‌شود و سرانجام آنکه در قرآن مجید نیز تنها یک بار وارد شده که آن هم مربوط به داستان حضرت موسی (ع) است.

بر محققان و قرآن‌پژوهان روشن‌بین پوشیده نیست که خداوند در داستان‌های انبیای بنی‌اسرائیل، غریب‌ترین واژه‌ها را آورده که عموماً با مراجعه به زبان‌های سامی می‌توان معنای دقیق آنها را دریافت. از آن جمله می‌توان به واژه‌هایی چون سِفر، یَم، احمد، متکأ، رحمن و... اشاره کرد. واژه «رهو» نیز در داستان‌های انبیای بنی‌اسرائیل طرح شده است. بدین سبب، نگارنده مقاله با توجه به سیاق آیه شریفه درصدد برآمد تا معنای آن را در لغت‌نامه‌های مختلفی از زبان‌های عبری، آرامی و سریانی جستجو کند.

در واژه‌نامه سربانی- انگلیسی پایین، ذیل واژه *מִצְמִי* آمده است:

«To watch closely esp. from alurking-place, to spy out, be on the look out for» (Payne, 1902, P.530).

یعنی: «از نزدیک نگاه کردن، به‌ویژه نگرستن از یک کمینگاه، کشف کردن، سر درآوردن، مراقب چیزی بودن، چشم به چیزی داشتن».

بر این اساس، معنای آیه عبارت خواهد بود از: «دریا را پشت سر گذار که از کمینگاه به آنان می‌نگرد و آنان سپاهی غرق‌شده خواهند بود»، «دریا را پشت سر گذار، در حالی که چشم به آنان دوخته است و آن سپاه را غرق خواهد کرد».

در لغت‌نامه *The complete Hebrew-English Dictionary*، زیر واژه *מִצְמִי* آمده است:

«Arrogance, haughtiness, boastfulness, conceit, superciliousness» (Alcalay: p 2412).

یعنی: «تکبر و غرور، تکبر و تفرعن، خودستا و لافزن، خودبینی، پرافادگی و تکبر».

بر این اساس، معنای آیه بدین گونه خواهد بود: «دریا را پشت سر گذار، در حالی که سرشار از غرور است و آنان را غرق خواهد کرد».

اما در اینجا به سه واژه‌نامه اشاره می‌کنیم که معنای همین واژه را در کتاب‌های *انجیل و تورات* ارائه داده‌اند. در واژه‌نامه *Hebrew and Aramaic Dictionary of Old Testament* در زیر واژه *מִצְמִי* آمده است:

«Assail, importune, chaos monster» (Stone, 1973: p. 566).

یعنی: «حمله‌ور شدن و هجوم بردن، اصرار کردن و مصرانه خواستن، غول آشفته» که بر اساس آن، ترجمه آیه بدین ترتیب خواهد بود:

«دریا را رها کن و پشت سر گذار، در حالی که چون غول آشفته‌ای درصدد حمله به آنان است و آن سپاهیان را غرق خواهد کرد».

در واژه‌نامه *Hebrew and English Lexicon of Old Testament* در ذیل همین واژه آمده است:

«Act stormily, boisterously, arrogantly, be alarmed, frightened, Trembling, hastening» (Gesenius, 1972: P. 923).

یعنی: «توفانی، پُر سر و صدا، متکبرانانه، ناراحت و دلخور، وحشتزده و هراسان، لرزان، شتابان و سریع». بر این اساس، معنای آیه شریفه مزبور بدین شیوه خواهد بود: «دریا را پشت سر گذار، در حالی که پُر سر و صدا، توفانی و پرشتاب است و آن سپاه به زودی غرق خواهد شد».

«و سرانجام در لغت‌نامه سیرانی-عربی عظیم بارتهلول که معتبرترین لغت‌نامه سیرانی است، در ذیل واژه *رحم* نوشته شده است: «یرصد، ينظر، يتوقع» (BarBahlul, 1888, vol2, p.1876)؛ یعنی: «در کمین است و انتظار می‌کشد».

بر این مبنا، معنای آیه شریفه بدین گونه خواهد بود: «دریا را پشت سر گذار، در حالی که در کمین است یا در انتظار است و آنان سپاه‌یانی غرق شده خواهند بود».

چنان‌که ملاحظه می‌کنید، در دو واژه‌نامه نخست که عام هستند، دو معنای اصلی «از کمین نگریستن» و «تکبر و غرور» برجسته می‌باشد. اما در سه واژه‌نامه بعدی که در واقع، شرح واژگان عهد قدیم و عهد جدید است، علاوه بر معنای «کمین کردن و انتظار کشیدن» معنای «خشم»، «توفانی شدن»، «هراسان و لرزان بودن»، «شتابان بودن» نیز وجود دارد. با دقت دوباره به آیه شریفه مذکور و سیاق آن که درباره آن سخن گفتیم، متوجه می‌شویم مجموع معانی ذکر شده در این فرهنگ‌ها، برای فضای «خشم الهی» و «سرعت نزول عذاب» و «غرق شدن کافران و مستکبران» مناسب‌تر است. نگارنده مقاله در اینجا به دنبال ارائه یک واژه واحد به عنوان معنای قطعی واژه «رهو» نیست، اما تأکید دارد با توجه به اینکه این واژه غیرعربی است و در زبان عربی نیز رواج چندانی ندارد و می‌توان آن را از بقایای دیگر زبان‌های سامی دانست که در عربی به جا مانده است و مناسب‌تر آن است که برای درک معنای واقعی این واژه، وارد فضای زبان‌های سامی قدیم شویم و روش ریشه‌یابی را وانهمیم.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که واژه «رهو» در آیه شریفه به معنای ذکر شده در لغت‌نامه‌های رایج عربی و تفاسیر نیست، چراکه لغویان با روش ریشه‌یابی سراغ واژه‌ای نادر رفته‌اند و سعی کردند با این روش ناکارآمد درباره‌ی واژگان غریب، به معنای آن پی ببرند و مفسران نیز از نتیجه‌ی کار لغویان استفاده کرده، این آیه شریفه را با بهره‌گیری از همین یافته‌ها، «آرام» یا «شکافته» معنی کرده‌اند. اما نگارنده معتقد است که این واژه دخیل می‌باشد و معنای کم‌کاربردتر آن، «تکبر و غرور» و معناهای متقن‌تر آن در واژه‌نامه‌های سریانی، عبری و آرامی، عبارت از «کمین گرفتن»، «شتابان و لرزان بودن» و «حمله‌ور شدن» است. بر این اساس، می‌توان این ترجمه‌ها را برای این آیه شریفه پیشنهاد داد: ﴿وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ﴾ (الدخان / ۲۴):

- «دریا را در حالی پشت سر گذار که کمین گرفته است و آنان سپاهی غرق‌شده خواهند بود».
- «دریا را در حالی پشت سر گذار که شتابان و لرزان است و آنان سپاهی غرق‌شده خواهند بود».
- «دریا را در حالی پشت سر گذار که درصدد حمله است و آنان سپاهی غرق‌شده خواهند بود».

منابع

قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). *لسان‌العرب*. بیروت: دار صادر.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. (بی‌تا). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: دارالکتب العلمیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمره. (۱۳۸۴). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دارالفکر.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. (۱۳۵۲). *روض الجنان و روح الجنان*. تهران: اسلامیه.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد. (بی‌تا). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- الزبیدی، مرتضی. (بی‌تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بی‌جا: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- الزمخشری، جارالله محمود. (۱۳۷۳). *الکشاف عن غوامض حقائق التنزیل*. قم: نشر البلاغه.

- السیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۲۰۰۷م). *الدّر المنثور فی تفسیر المأثور*. القاهرة: مكتبة الرحاب. طباطبائی، محمدحسین. (بی‌تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دارالفکر.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلامیه.
- طبری، أبوجعفر محمد بن جریر. (۱۹۷۲م). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.
- طیب اصفهانی، سید عبدالحسین. (۱۳۴۱). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. اصفهان: چاپ محمدی.
- فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۳۷۱). *مفاتیح الغیب*. تهران: اساطیر.
- قرشی بنابی، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). *أحسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
- کاشانی، فتح‌الله. (بی‌تا). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامیة.
- مقاتل بن سلیمان. (۲۰۰۲م). *تفسیر مقاتل*. بیروت: مؤسسه التّاریخ العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۸۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- نسفی، ابوالبرکات عبدالله. (بی‌تا). *تفسیر النسفی*. بی‌جا: دار احیاء الکتب العربیة.
- Alcalay, Reuben. (1963). *the complete Hebrew- English Dictionary*. RAMAT-GA-JERUSALEM: MASSADA Publishing.
- Bar Bahlul, Hassano. (1886). *Lexicon Syriacom*. Paris: Bonaparte.
- Gesenius, William. (1972). *Hebrew and English Lexicon of old Testament*. London: Oxford University Press.
- Smith, R. Payne. (1976). *A compendious Syriac Dictionary*. London: Oxford University Press.
- Stone, W. John. (1973). *Hebrew and Aramic Dictionary of Old Testament*. Berlin & New York: Walter De Gruyter.

